

| معرفی کتاب «لوزومی‌ها در منطقه ممنوعه»

# پیام‌های مرموز دریایی



● عنوان: **لوزومی‌ها در منطقه ممنوعه**

● نویسنده: **فاطمه‌سادات موسوی**

● ناشر: **مهرستان**

● تعداد صفحات: **۱۶۴**

● توضیحات:

کتاب به روابط میان اعضای خانواده و هم‌سالان

و موقعیت‌هایی می‌پردازد که زینا در مدرسه و

محیط اطرافش تجربه می‌کند.

تابه حال شده هدفی داشته باشی که برای رسیدن به آن مجبور شوی خیلی بیشتر از چیزی که فکر می‌کردی تلاش کنی؟ کارهایی را انجام بدهی که هیچ وقت نکرده‌ای و شاید حتی تصور نمی‌کردی روزی سراغشان بروی؟ برای رسیدن به هدف‌ت تا کجا حاضری پیش بروی؟ می‌توانی مثل زینا دل به دریا بزنی تا رازهایی را کشف کنی؟

### **داستان از چه قراره؟**

زینا که از آزارهای ترمه و بی‌توجهی اطرافیان خسته شده است، مدرسه را برای همیشه ترک می‌کند و غمگین و سرخورده راهی ساحل دریا می‌شود؛ اما در آنجا به‌طور اتفاقی بطری‌ای حاوی نقشه و پیام‌های مرموز پیدا می‌کند. زینا با کمک دوستش لیا و اعضای خانواده‌اش، هم‌زمان

برای خرید یک ویلچر برقی هم تلاش می‌کند و در این مسیر با لاک‌پشتی سخن‌گو به نام «رخشانک» آشنا می‌شود. رخشانک، رازهایی درباره پدرِ او که در دریا غرق شده است، بطری‌ها و دنیای زیر آب فاش می‌کند. زینا و دوستانش گروهی به نام «لوزومی» تشکیل می‌دهند و به دنبال کشف راز بطری‌ها و پیام‌های پدرش می‌روند.

### **ویژگی‌های کتاب چیه؟**

داستان طوری برایمان تعریف می‌شود که بتوانیم با شخصیت کتاب ارتباط بگیریم؛ چون نزدیک به دنیای خودمان است با همان حال و هوا. بخش قابل توجهی از روایت کتاب به روابط میان اعضای خانواده و هم‌سالان و موقعیت‌هایی می‌پردازد که زینا در مدرسه و محیط

اطرافش تجربه می‌کند. در کنار این بخش واقع‌گرایانه، نویسنده با وارد کردن عناصر غیرواقعی و رمزآلود، مسیر داستان را به سمت یک ماجرای پرکشش می‌برد؛ حضور رُخشانک، لاک‌پشت سخنگو و پیام‌هایی که از طریق بطری‌ها منتقل می‌شوند، از جمله این عناصر هستند.

### **چرا این کتاب رو بخونیم؟**

تجربه‌های زینا، زمینه‌ای برای پرداختن به مسائلی مانند محدودیت‌های جسمی، برخوردهای تبعیض‌آمیز، اختلافات و رقابت‌های خانوادگی، مشکلات میان هم‌سالان و فقدان پدر فراهم می‌کند. قهرمان داستان در مسیر رسیدن به خواسته‌اش یعنی تهیه ویلچر برقی، بارها با موانعی روبه‌رو می‌شود و همین مسیر، مفاهیمی مانند پشتکار،

جرئت مواجه شدن با مشکلات، پذیرش کمک دیگران و باور به توانایی‌های فردی را پررنگ می‌کند.. در کنار این موضوعات، دوستی و همکاری نیز نقش مهمی در پیشبرد ماجرا دارند. توجه به محیط زیست و ضرورت حفاظت از طبیعت نیز یکی از موضوعاتی است که در بخش‌های مختلف داستان مطرح می‌شود. همچنین در خلال داستان با حال و هوای جنوب و مردمانش و برخی اشعار و داستان‌های محلی و قدیمی آن‌ها نیز آشنا می‌شویم.

### برشی از کتاب

نشستم پشت میز. دست‌هایم را زدم زیر چانه‌ام و به نقشه و طرح‌های رویش نگاه کردم. مغزم را چلاندم ولی خبری نشد. با کلافگی ته مدادم را زدم روی میز. باید زودتر

از راز نقشه سر درمی‌آوردم. هر دو دستم را مشت کردم و فشار دادم. دندان‌هایم را سابیدم روی هم و پشت سر هم تکرار کردم: «ایناهاش! توی مشتمه! توی مشتمه! توی مشتمه!»

رُخشانک روی میز کنار دستم بود. انگار صدایم را شنید. تکانی خورد. سرش را از لاک آورد بیرون و برق‌برقی شد. نور چندرنگی از توی لاک رُخشانک آمد بیرون و پاشید روی دیوار. نقشه شبیه کارتون‌های توی تلویزیون شده بود. علامت‌های روی نقشه تبدیل شدند به تصویرهای کنار هم. دوتا تصویر آشنا دیدم. یکی زیر نخل توی حیاط خودمان بود، یکی توی نخلستان عمو ابوحامد؛ داخل همان اتاق‌های متروکه قدیمی. توی سرم جرقه زد. پیدایش کردم. دفتر بابا

یا زیر نخل بود یا توی اتاق‌های نخلستان. از روی صندلی بلند  
شدم. نشستم روی چرخک. خودم را رساندم به محسن و  
گفتم: «امشب گروه لوزومی عملیات مهمی داره.»